



حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان Communist (Maoist) Party of Afghanistan (CMPA)

استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. (اساسنامه مصوب سومین کنگره سراسری حزب)



به مناسبت هشتم مارچ روز جهانی زن

زنان، پیشتازان جنگ خلق و رهایی پرولتاریا!

امارت اسلامی افغانستان و وضعیت زنان

بار دیگر روز جهانی زن فرا رسید، ما این روز را به تمام زنان جهان و به خصوص زنان ستمدیده افغانستان تبریک می گوئیم. ما دروذهای سرخ خود را به آن زنانی که در سراسر جهان علیه افکار و عقاید کهنه و سنت های عقب مانده به پا خاسته اند می فرستیم. هم چنین دروذهای سرخ خود را به زنان شورش گر افغانستان که زیر بار حاکمیت فاشیستی تئوکرات طالبان نرفتند و صدای آزادی خواهی را به خاطر بدست آوردن حقوق شان بلند نمودند نیز می فرستیم.

ما امسال در حالی به پیشواز هشتم مارچ می رویم که پنج سال از قدرت ننگین امارت اسلامی طالبان میگذرد و هر روز عرصه بر فعالیت های زنان تنگتر می گردد.

ما امسال در حالی به پیشواز هشتم مارچ می رویم که نصف نفوس جامعه (زنان) از فعالیت های اجتماعی محروم گردیده اند. ما امسال در حالی هشتم مارچ را تجلیل می کنیم که امارت فاشیستی طالبان با نشر «اصول نامه جزایی...» زنان را به بردگان خانگی تبدیل نموده اند.

ما در حالی به پیشواز هشتم مارچ می رویم که طالبان خشونت علیه زنان (لت و کوب) را قانونی نموده اند. و در حالی هشتم مارچ روز جهانی زن را تجلیل می کنیم که طالبان بدون شرم به زنان تجاوز می نمایند و آن را «حق مشروع» خود قلمداد می کنند.

ما امسال در حالی به پیشواز هشتم مارچ روز جهانی زن می رویم که طالبان فشارهای روحی، روانی و جسمی بر زنان را تحت پوشش شریعت وضع نموده و آن ها را نه تنها جنس درجه دوم بلکه برده مردان به حساب می آورند.

زنان مبارز و انقلابی در سراسر جهان برای تجلیل از این روز به خیابان ها می آیند و عزم شان را برای مبارزه علیه ستم، تحقیر و توهین و برای دستیابی به جامعه و جهانی عاری از ستم، نابرابری و تبعیض جنسی تجدید می نمایند. بدین مناسبت باید به استقبال و گرمی داشت هر چه پرشکوه تر این روز مهم و تاریخی برویم.

زنان مبارز کشور باید این نکته را به خوبی درک کنند که اعمال ستم بر زن یکی از اجزای اصلی ساختار جامعه است و در پیوند با ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی قرار دارد. این ستم نه پدیده ای جداگانه، بلکه محصول مناسبات مالکیت، تقسیم کار طبقاتی و سلطه سیاسی طبقات حاکم است. تا زمانی که زیربنای اقتصادی جامعه دگرگون نگردد و قدرت سیاسی از دست طبقات استثمارگر خارج نشود، رهایی واقعی زن تحقق نخواهد یافت. همان گونه که مائو تسه دون تأکید نمود: «زنان نیمی از آسمان را بر دوش می کشند». این سخن بیانگر آن است که بدون بسیج آگاهانه و سازمان یافته زنان در صفوف مبارزه انقلابی، هیچ تحول بنیادینی در جامعه ممکن نیست. رهایی زن بخش جدایی ناپذیر از مبارزه برای سرنگونی امپریالیزم، فئودالیزم و سرمایه داری بوروکراتیک و استقرار جامعه نوین است؛ جامعه ای که در آن برابری واقعی زن و مرد نه در کلام، بلکه در ساختار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تحقق یابد.

زنان مبار کشور باید بدانند که خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می دهد که عمده ترین عامل شکل دهی رفتارها و روش ها نسبت به زنان می باشد. بر این اساس است که طالبان آن را شکل قانونی داده اند. هرگاه به تاریخ افغانستان نظر انداخته شود به خوبی دیده می شود که پا به پای ستم طبقاتی، ستم جنسی به شدیدترین وجه از طرف سیستم مردسالار بالای زنان اعمال گردیده است. ستم بر زن از جمله ساختارهای اجتماعی افغانستان است که با ستم طبقاتی پیوند ناگسستنی دارد. به همین ترتیب ستم بر زن نه تنها با ستم طبقاتی، بلکه با ستم امپریالیستی نیز پیوند ناگسستنی دارد. از ادوار گذشته تا کنون دیدگاه غالب در مورد زنان در افغانستان دیدگاه فئودالی است، که محرومیت اجباری زنان از آزادی های اجتماعی و اشکال مختلف ضرر رسانی فیزیکی-جنسی و روانی از خصوصیات

عمده آن می‌باشد. زنان باالاجبار این بار ستم را متحمل گردیده اند. مردسالاری یک قانون مسلط در افغانستان بوده و در این جو مسلط با جرأت می‌توان گفت که همه مردان به شکلی از اشکال حامل شئونیزم مردسالاری اند. در شرایط کنونی جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که عاری از ستم باشد. زنان ستم‌دیده و به خصوص زنان ستم‌دیده افغانستان باید بدانند که ستم بر زن بُعد جهانی دارد، و حتی در دموکرات‌ترین کشورها، زنان در دایره ستم به‌سر می‌برند. امروز امپریالیست‌ها از زنان به عنوان کالای تجارتي استفاده می‌نمایند و ادعای آن‌ها مبنی بر برابری میان زنان و مردان یک ادعای دروغین و بی‌پایه است. در کشورهای تحت سلطه که مناسبات نیمه فیودالی - نیمه مستعمراتی و یا کشورهای مستعمراتی - نیمه فیودالی - مانند افغانستان - تسلط دارد، زنان به شکل وحشیانه‌تری تحت ستم قرار دارند. در چنین کشورهایی زنان آشکاراً به عنوان بردگان مرد محسوب می‌گردند و زنان مانند هر شی دیگر ملکیت مردان به شمار می‌روند. تضاد میان شئونیزم مردسالار و زنان و هم‌چنین شئونیزم ملی، یکی از تضادهای مهم جامعه ما را تشکیل می‌دهد. لذا حل این ستم‌های اجتماعی را نباید مطلقاً به حل تضاد طبقاتی موکول نمود، بلکه باید در کنار مبارزه طبقاتی، به این عرصه‌های مشخص ستم نیز آگاهانه و سازمان‌یافته پرداخت. این تضادها در چارچوب تضاد عمده جامعه ریشه دارند، اما دارای نمودها و اشکال ویژه‌ای‌اند که بدون مبارزه مشخص علیه آن‌ها از میان نخواهند رفت. همان‌گونه که مائو تسه‌دون در تحلیل دیالکتیکی خود تصریح می‌کند: «در هر پروسه پیچیده، تضادهای متعددی وجود دارد، اما یکی از آن‌ها تضاد عمده است که نقش تعیین‌کننده را بازی می‌کند.» بدین معنا، هرچند تضاد طبقاتی نقش تعیین‌کننده دارد، اما بی‌توجهی به ستم ملی و ستم جنسیتی به بهانه اولویت تضاد اساسی، در عمل به تقویت نیروهای ارتجاعی خواهد انجامید. از این‌رو، مبارزه علیه شئونیزم مردسالار و ملی باید به مثابه بخش جدایی‌ناپذیر از خط توده‌ای و استراتژی انقلابی پرولتاریا پیش برده شود، تا وحدت واقعی توده‌های ستم‌دیده در مسیر دگرگونی بنیادین جامعه تحقق یابد. زنان مبارز افغانستان باید این نکته را درک کنند که یک راه برای پایان دادن به این ستم وجود دارد و آن عبارت است از بسیج همگانی توده‌های تحت ستم اعم از زنان و مردان، و سرنگونی قهری نظام استثمارگرانه و ستم کارانه طالبان و لغو کلیه امتیازات امپریالیست‌ها و به پیروزی رساند انقلاب دموکراتیک نوین تحت رهبری حزب پیش‌آهنگ پرولتاریا در افغانستان. با صراحت باید گفت که آزادی حقیقی زنان افغانستان در گرو کسب استقلال کشور و آزادی مردمان این سرزمین و پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین است.

هشتم مارچ، روز همبستگی بین المللی زنان خجسته باد!

مرگ بر رژیم آپارتاید جنسیتی طالبان!

مرگ بر امپریالیزم، سوسیال امپریالیزم و ارتجاع!

شئونیزم مردسالار و ملی را در هم شکنیم!

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

8 مارچ 2026

17 حوت 1404

www.cmpa.io

sholajawid@cmpa.io || sholajawid2@hotmail.com